

مبانی نظریه مشروطه خواهی

دیباچه ای بر نظریه انحطاط ایران چاپ اول 1380، نخستین جلد از پژوهشی است که طباطبایی چهار دهه پیش درباره تاریخ اندیشه سیاسی پنج سده اخیر و دوره های تجدید خواهی در ایران تحت عنوان «تاملی درباره ایران» آغاز کرده بود. او بعدها با پیشرفتی که در تحقیق و نوشتن حاصل میگردید، به این نتیجه میرسد که پژوهش در باره تاریخ اندیشه سیاسی جدید در ایران، بدون بازگشتی به خاستگاه های آن آب درهون کوبیدن است. به همین دلیل او پژوهش در باره تاریخ اندیشه سیاسی قدیم در ایران را که قبلاً انجام داده بود، از سر میگیرد. حاصل این پژوهش ها چهار جلد کتاب: درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران 1367، زوال اندیشه سیاسی در ایران 1373، ابن خلدون و علوم اجتماعی 1374 و خواجه نظام الملک 1375 بوده است. طباطبایی نتایج کلی این چهار جلد کتاب را به هر حال تا انتشار ویراست جدید آن دفترها به عنوان مقدمات بحث سه جلد کتاب «تاملی درباره ایران» مطرح می کند.

در دیباچه ای بر نظریه انحطاط ایران، طرحی از نظریه انحطاط ایران عرضه شده، نظریه ای که در واپسین فصل زوال اندیشه سیاسی در ایران نیز به آن اشاره شده بود ولی بگفته خودش بسط آن نظریه آن زمان برای او مقدور نبوده. طرح از زوال اندیشه و بحث از شرایط امتناع که موضوع کتاب «ابن خلدون و علوم اجتماعی» است به عنوان اصول موضوع این جلد تلقی شده و درباره آن بحثی نیامده. خواننده باید بداند که طرح نظریه انحطاط ایران کوششی برای آگاهی به انحطاط است و آن آگاهی بمثابه شرایط امکان تاریخ نویسی جدید است. تاریخ نویسی ایرانی نمیتواند راه هموار تقلید از تاریخ نویسی غربی را دنبال کند، و برای اینکه خلاف آمدهای عادت دگرگونیهای تاریخ ایران را توضیح دهد، نخست باید کوششی اساسی در جهت فهم مقولات تاریخ نویسی غربی انجام دهد. دوران قدیم تاریخ ایران زمین، بطور عمده بابیان گذاری «شاهنشاهی» هخامنشی آغاز شد و تا واپسین سده های دوره اسلامی ایران ادامه پیدا کرد. دوران قدیم تاریخ ایران به دودوره باستان - از آغاز تا فروپاشی شاهنشاهی ساسانی - و دوره اسلامی تقسیم میشود. او مینویسد: دوران 900 ساله اسلامی را که با فروپاشی شاهنشاهی ساسانیان آغاز و به فراهم آمدن زمینه های فرمانروایی صفویان ختم میشود، میتوان در قیاس با دوران جدید تاریخ ایران و دوره باستانی آن، «سده های میانه» تاریخ ایران نامید.

طباطبایی دوره طولانی میان شکست ایران در جنگ چالدران تا شکست ایران در جنگهای ایران و روس را که حلقه رابط «سده های میانه» ایران و آغاز «دوران جدید» آن است، دوره گذار مینامد. دوره ای که در واقع، نه با اسلوب دوران قدیم میتواند مورد بررسی قرار گیرد، و نه با ضابطه های دوران جدید. دوره گذار ایران دوره فروپاشی ایران زمین است و برای تبیین علل و اسباب این فروپاشی از طرح نظریه انحطاط ایران گریزی نیست.

بخش اول جلد دوم مجموعه «تاملی درباره ایران» با عنوان مکتب تبریز و مبانی تجدید خواهی در سال 1385 منتشر شده. مکتب تبریز با اصلاحات عباس میرزا در دارالسلطنه تبریز آغاز و با پیروزی جنبش مشروطه خواهی به پایان می رسد. مکتب تبریز کانون تجدید طلبی، مشروطه خواهی، گسترش اندیشه آزادی و هواداری از حکومت قانون بود، طباطبایی می نویسد: برای ایضاح منطق جنبش مشروطه خواهی

وتبیین سرشت آن، نیازمند تدوین «نظریه حکومت قانون» در ایران با توجه به نظریه های نظام مشروطه هستیم. در دارالسلطنه تبریز ایران در «آستانه» دوران جدید تاریخ خود قرار گرفت، اما با تدوین نخستین نظام حقوقی و ایجاد نهادهای جدید گامی بزرگ از «آستانه» به سوی «دوران جدید» برداشت. در این کتاب «تبریز» به این معنا نه اسم خاص، بلکه مفهومی عام به عنوان «آستانه» دوران جدید، آزادی خواهی و حکومت قانون است.

در کتاب سوم که مبانی نظریه مشروطه خواهی نامیده شده (جلد دوم نظریه حکومت قانون در ایران) و به سال 1386 منتشر شده، به آشکار شدن نشانه‌های بحران در نظام خود کامه، تکوین آگاهی ملی و تاریخ پدیدار شدن مفاهیم نو و تحول آن‌ها توجه شده است و کوشش شده که این وجه مهم از تاریخ معاصر ایران را که با اصلاحات عباس میرزا در دارالسلطنه تبریز آغاز شده دنبال کند. در مکتب تبریز مواجهه دربار «کهنه» تهران با «نو» دارالسلطنه تبریز مورد بررسی قرار گرفته، در این نوشتار نیز کوشش شده و جوهی دیگر از تجدد خواهی برخی از تبریزیان برجسته گردد. در بخش دوم نظریه حکومت قانون با عنوان «مبانی نظریه مشروطه خواهی» توجه ویژه ای به تدوین نظریه حکومت قانون و تبدیل حقوق شرع به نظام حقوقی جدید شده است و بحث درباره کتاب «یک کلمه» میرزا یوسف مستشارالدوله تبریزی در کانون بحث قرار گرفته، که از نظر طباطبایی مفسران ایرانی، به جایگاه آن در قانون خواهی ایرانیان توجهی نکرده اند. اوسپس میرزا یوسف خان را با ملکم خان مقایسه میکند و مینویسد: میرزا یوسف به رغم ملکم خان که بیشتر در زی غوغاییان بود، مردی شریف و رجل دولت خواه بزرگی بود، اما در دهه ای که مقدمات جنبش مشروطه خواهی فراهم می آمد، رساله او مغلوب هو چی گری ها و انشا نویسی های روزنامه «قانون» ملکم شد. در اینجا خواننده تعجب می کند که چطور

ممکن است در قانون خواهی زکری از ملکم خان بمیان نیاید. طباطبایی در زیر نویس ص 14 کتاب مینویسد: ملکم خان پیشوای مقلدان بود و مستشارالدوله و... با امکانات اندکی که داشتند اجتهاد میکردند. به نظر طباطبایی اهمیت رساله «یک کلمه» بیشتر از آنکه سیاسی باشد، حقوقی است. او معتقد است که با استقرار مشروطیت بویژه زمانی که نخستین نظام حقوقی جدید ایران تدوین می شد، همین رساله مبانی نظری تبدیل شرع به نظام حقوق عرف قرار گرفت. این نکته قابل ذکر است که طباطبایی چهار سال قبل از آن در درآمد کتاب «جدال قدیم و جدید» ص 12 مستشارالدوله و ملکم خان را عاملان مصالحه با سنت و جانشین کردن اندیشه با ایدئولوژی می دانست. بنظر طباطبایی تبدیل حقوق شرع به نظام حقوقی جدید، با «یک کلمه» مستشارالدوله امکان پذیر شد. او مینویسد: تحولی که در دریافت از نظام سنت قدمایی از زمان انتشار «یک کلمه» تا تدوین نظام حقوق عرفی جدید در ایران پیداشد، نمیتوان با مفاهیم رایجی که از علوم اجتماعی و فلسفه های جدید دین گرفته ایم فهمید. نخست باید نفس این تحول و نسبتی را که میان نظام سنت و اندیشه تجدد ایجاد شده توضیح داد، آنگاه میتوان مضمون مفاهیم جدید را به محک مواد تاریخ و اندیشه در ایران زد.

هر نظریه پردازی در باره ایران نمیتواند بحث نسبت نظام سنت قدمایی و اندیشه جدید را مطرح نکند. همه نویسندگان اندک رساله هایی که درباره مشروطیت مطلبی نوشته اند، تاریخ مشروطیت را در بی اعتنائی کامل به تاریخ اندیشه در ایران نوشته اند، گویی که خود کامگی ستیزی روشنفکران مشروطیت از عدم پا به عرصه وجود گذاشت. تاریخ مشروطیت ایران، مندرج در تحت «تاریخ ادبیات» و «تاریخ» در عرف تاریخ نویسی ایرانی نیست. مشروطیت فصلی در تحول مفاهیم اندیشه سیاسی، لحظه ای در «انقلاب های دمکراتیکی» و بمثابه آغاز پایان نظام های خود کامه است. از این حیث مشروطه خواهی، حادثه ای در تاریخ جهانی آزادی و حکومت قانون است. طباطبایی می نویسد: «تاملی در باره ایران» بحثی سیاسی

ولاجرم ایدئولوژیک، یعنی ناظر بر موضع گیری در پیکار برای قدرت نیست بلکه کوششی است برای بحث در باره ایران به عنوان «موضوع» دانش نوآینی که به رغم آغاز دوران جدید تاریخ ایران از نزدیک به دو سده پیش، تاسیس آن «دانش» به تعویق افتاده. تاریخ نویسی جدید ایرانی باید تاریخ اندیشه باشد قبل از آنکه در قدرت با قدرت و یا در بیرون قدرت بر قدرت بوده باشد. سیاست می تواند تابع آن اندیشه ها باشد ولی این بحث تابع قدرت سیاسی نیست.

«تاملی در باره ایران» جلد چهارمی نیز دارد که بررسی دهه های میان پیروزی جنبش مشروطه خواهی تا انقلاب اسلامی را در بر می گیرد. طباطبایی می نویسد: در این دوره بسیاری از نویسندگان بی آنکه بدانند، در درون نظامی از ایدئولوژیهای جدید استدلال می کردند، زیرا مجموعه مفاهیم اندیشه سنتی از مضمون کهن آن خالی شده بود و همین امر اجازه می داد تا وضعیتی ایجاد شود که میتوان آنرا «لغزش» از سنت به ایدئولوژیهای جدید نامید.

روش طباطبایی در جلد های سه گانه تطبیقی است که در آن وضعیت ایران با غرب مقایسه میگردد، بهمین دلیل او در کنار جلد های سه گانه طرحی از دگرگونیهای اندیشه سیاسی غرب نیز در یک مجموعه چند جلدی تحت عنوان «اندیشه سیاسی جدید در اروپا» بدست داده است که دفتر نخست از جلد نخست آن «جدال قدیم و جدید»، 1382 منتشر شده است. اومی نویسد، اگر دیگران در این زمینه کار قابل اعتنایی انجام داده بودند، من از نوشتن آن صرف نظر میکردم.

قسمت اول:

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2014/09/2014-09-20_a.mp3]

قسمت دوم:

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2014/09/2014-09-20_b.mp3]